



مقابله با بی عدالتی،

سنجش برای عدالت عدالت آموزشی یا مساوات

اشاره

«عدالت آموزشی» اصطلاحی است که صرفاً بر پایه تفاوت‌های اقتصادی و تا حدودی اجتماعی (محل زندگی) تعریف شده و بر سر زبان‌ها افتاده است. اما اینکه چگونه به این امر پردازیم، خود نیازمند درک واحد، روشن و درست از این اصطلاح بجا و مناسب (عدالت آموزشی) است. در این مقاله به «نقش سنجش» در ایجاد عدالت آموزشی پرداخته شده است؛ یعنی نقش سنجش در ایجاد و گسترش محیط‌ها و نظام آموزشی به گونه‌ای که یادگیرنده را بر پایه آنچه که نیاز دارد، آموزش دهد و به او توجه شود تا بتواند به رشد و تعالی متناسب با خودش دست یابد.

زمانی که دبیرستانی بودم، معلمی داشتم که افتخار می‌کرد، به دانش‌آموزان به سختی نمره می‌دهد. لذا تعداد کمی از دانش‌آموزان می‌توانستند از دروس نمره قبولی بگیرند و آن درس را بگذرانند. او در شروع سال تحصیلی به طور مفصل درباره نحوه نمره دهی و چگونگی آزمون‌هایی که در کلاس درس و در طول سال تحصیلی در مورد ما اجرا خواهد کرد، توضیح می‌داد. حتی به طور مشخص شرح می‌داد که چه کسانی و چند درصد از دانش‌آموزانش توانسته‌اند از درس او نمره قبولی بگیرند.

امروزه بسیاری از معلمان روش معلم مرا دنبال نمی‌کنند، چرا که این روش در مدرسه‌های ما

کلیدواژه‌ها:

سنجش، عدالت آموزشی، یادگیری، سنجش برای عدالت، فلسفه سنجش

جذابیت چندانی برای دانش‌آموزان نداشته است. با این حال، آگاهی از هدف‌های سنجش و اندازه‌گیری در کارمان (آموزش) و تأمل در این باره، بسیار مهم و ضروری است.

به‌عنوان آموزش‌دهنده، ما به ابزارهای مناسب سنجش برای تعیین اینکه دانش‌آموزان چه می‌دانند و چه چیزهایی یادگرفته‌اند، نیاز داریم تا بر پایه نتایج حاصل از آن‌ها به تکرار، اصلاح و بهبود فعالیت‌های یاددهی - یادگیری خود و دانش‌آموزانمان در کلاس درس پردازیم. ابزارهای اندازه‌گیری و سنجش شواهد مهمی از آنچه که واقعاً آموزش داده‌ایم و اینکه چگونه می‌توانیم آموزش خود را بهبود بخشیم، برایمان فراهم می‌کنند. سنجش باید فرصتی آموزشی برای آموزش‌دهندگان تلقی شود که از طریق آن بتوانند، فعالیت‌ها و پاسخ‌هایی را که به دانش‌آموزان می‌دهند، با کلاس درس سازگار و منطبق کنند؛ نه اینکه بر پایه آن به دانش‌آموزان نمره دهند و آن‌ها را طبقه‌بندی کنند.

در این معنا، ابزارهای سنجش و ارزشیابی باید دوستانه باشند و بتوانند یادگیری دانش‌آموزان را بهبود بخشند و آموخته‌های آنان را به نمایش بگذارند. این نوع به‌کارگیری سنجش برای دانش‌آموزان بسیار مفید است؛ به‌ویژه برای دانش‌آموزانی که به نوعی در پاره‌ای از آموخته‌ها دچار مشکل هستند و امکان

سنجش باید به ما

کمک کند درباره

دانش‌آموزانمان یاد

بگیریم، نه آن‌ها را

طبقه‌بندی کنیم

**معلمان باید سنجش
را فرصتی آموزشی
تلقی کنند که به
واسطه آن می توان
فعالیت های
یاددهی-یادگیری
را با توانایی و شرایط
دانش آموزان در
کلاس درس سازگار و
منطبق کرد**

**تمرکزها باید روی
ورودی های نظام
آموزشی باشد.
به این معنا که
فرصت های یادگیری
برای دانش آموزان با
توجه به توانایی ها
و تفاوت های آنان
تدارک دیده شود**

*** بی نوشت**

1.Linda Darling- Hammond
2.Darling Hammond, L.(2014).
Foreword. In H.R. Milner and
Lomotey (Eds). Handbook of
Urban Education. New York:
Routledge press.

*** منبع**

Milner, H.R. (2018). Confronting
Inequity/ Assessment for
Equity. Educational Leadership
magazine. February
2018, volum 75. Number 5.
pages 88-89.

هستیم که ما را در انجام این وظیفه (عدالت آموزشی) بهتر هدایت کنند. به این منظور باید بکوشیم، با کمک سنجش فعالیت های آموزشی مان را برای حمایت از رشد و عدالت آموزشی در مورد دانش آموزانمان بهبود بخشیم. سنجش هایی که به عمل خواهیم آورد، می توانند نوشتاری، شفاهی، تکوینی، هنرمحور و فنون محور باشند. در همه این موارد، آنچه برای آموزش اهمیت دارد، این است که به دانش آموزان آنچه را که باید یاد بگیرند یا نباید یاد بگیرند، آموزش دهیم. یعنی آن ها را به ساخت دانش، نگرش ها، گرایش ها، مهارت ها، و فعالیت های مطلوب دعوت کنیم.

در این باره به رهنمودهای زیر توجه کنید:

۱. اندازه گیری و سنجش باید یادگیری، پیشرفت، و بهبود دانش آموزان را در طول دوره تحصیلی بسنجد.
۲. سنجش باید توسط آموزش دهنده به منظور سازگار و منطبق کردن فعالیت های آموزشی (چگونه آموزش بدهم؟ چه چیزی را آموزش بدهم؟ چه زمانی آموزش بدهم؟ و ...) با نیازهای دانش آموزان صورت بگیرد.

۳. دانش آموزان به هنگام سنجش نباید دارای دلهره و نگرانی باشند و یا پاسخ پرسش ها را از قبل بدانند. به علاوه، آن ها نباید برای دستیابی به پاسخ ها دچار چالش فکری شوند. باید سنجش را به عنوان مثلاً فرصتی برای گرفتن یک عکس (عکس برداری) از جایی که قرار دارند و آنچه برای رسیدن به مقصدشان یا بهبود فعالیت های شان نیاز دارند، نگاه کنند.

۴. سنجش هایی که دشوارند و یا شکل انتقام گیری به خود می گیرند، پیام اشتباهی را برای دانش آموزان ارسال می کنند و آنان را دچار اضطراب و تشویش خاطر می کنند؛ به ویژه دانش آموزانی را که به حمایت بیشتری برای یادگیری و تحقق نیازهایشان در این زمینه نیاز دارند.

۵. ابزارهای سنجش باید بر پایه آنچه که به نام عدالت آموزشی از آن یاد شد، عمل کنند تا دانش آموزان نیز عدالت آموزشی را در عمل درک کنند.

غیرمتمرکز بودن سنجش و ابزارهای آن به ما اجازه می دهند، آن گونه فعالیت های آموزشی را تدارک ببینیم که با نیازهای فردی دانش آموزان انطباق بیشتری دارند. امروزه در مدرسه ما به این نوع سنجش ها نیاز داریم تا بتوانیم عدالت آموزشی و نشاط حاصل از آن را در دانش آموزان ایجاد کنیم.

پرش آن ها به سطح بالاتری از یادگیری (در لحظه فعالی) وجود ندارد. در این شرایط، سنجش باید به کمک دانش آموز و آموزش دهنده بیاید و شرایط ارتقای دانش آموز (و حتی آموزش) را به سطوح بالاتر فراهم کند. چند سال پیش لیندا دارلینگ-هاموند^۱ در این زمینه مطلب زیر را نوشت:

«در دوران ریاست جمهوری ریگان، نظریه جدیدی برای تغییر نظام آموزشی ارائه شد که بر خروجی های آموزشی در مقایسه با آنچه که وارد نظام آموزشی شده بود، متمرکز بود. در آن زمان، دانش آموزان در آزمون های خطیری که بدون توجه به شرایط آنان تهیه شده بودند، شرکت داده می شدند و بسیاری از تصمیم گیری های کلان آموزشی بر پایه نتایج به دست آمده از آن ها صورت می گرفت. بنابراین، شرایط بسیاری از مدرسه ها در شهرهای گوناگون وخیم شده بود.»^۲

حال آنکه اندازه گیری و سنجش به ما اجازه می دهد که ابعاد متفاوت آموخته ها و یادگیری های دانش آموزان را درک کنیم و بنابراین تمرکز ما باید روی ورودی های نظام آموزشی باشد. به این معنا که فرصت های یادگیری برای دانش آموزان با توجه به توانایی ها و تفاوت های آنان تدارک دیده شود. زمانی که بر پایه این رویکرد به ورودی ها و خروجی های نظام آموزشی نگاه کنیم، سنجش قدرت عظیمی برای درک عملکرد نظام آموزشی در هر سطحی دارد و قادر خواهد بود، شواهدی مفید و واقعی برای رشد و پیشرفت مطلوب دانش آموزان فراهم کند تا دست اندرکاران نظام آموزشی (خرد و کلان) بر پایه آن ها بتوانند، در جهت رشد و تعالی مدرسه ها و جامعه بکوشند.

حمایت از رشد و تفاوت

در یک زمینه آموزشی، عدالت به معنای ایجاد و گسترش محیط ها و نظام های آموزشی به طریقی است که دانش آموزان را بر پایه آنچه که آن ها نیاز دارند، آموزش دهد و به آنان توجه کند. «مساوات» یعنی دانش آموزان را به گونه ای کنار هم قرار دهیم که آن ها بدون توجه به تفاوت های شان بتوانند از امکانات آموزشی، برنامه های درسی و ... به فراخور حالشان در جهت رشد و تعالی خودشان استفاده کنند و عناصر انسانی نظام آموزشی نیز آنان را در این زمینه همراهی کنند.

بر پایه این رویکرد، ما نیازمند سنجش هایی